



چهارشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۴
 وطن امروز | شماره ۴۴۴۲

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

چمباتمه ۴۸ ساعته!

بعد از عملیات محرم، باصرار فراوان پیچه‌های اطلاعات عملیات را راضی کردم و با ۲ نفر از آنها جهت شناسایی اقدام کردیم. از خاکریز دشمن عبور کردیم و پس از ۲-۳ ساعت شناسایی مواضع عراقی‌ها، در معرض دید یک نفر از آنها قرار گرفتیم که با سروصدا جلوی مسیر برگشت ما را سد کرد و ما مجبور شدیم مقدار بیشتری درون خاک عراق نفوذ کنیم و با وجود اینکه ما را دنبال کردند، از آنجا که یکی از پیچه‌های اطلاعات عملیات شناخت خوبی روی منطقه داشت، توانستیم آنها را جا بگذاریم. به جاده العماره رسیدیم. از کنار جاده حرکت کردیم تا به پلی که ایشان نشان کرده بود برسیدیم. این پل، بتنی و آبرو بود و ارتفاع و عرض کمی داشت. به داخل آن رفتیم. وسط دهانه پل محفظه کوچکی بود که به داخل آن رفتیم و فقط توانستیم دوزانو و در حالی که پاهای‌مان به سینه چسبیده بود، داخل آن محفظه بنشینیم.

۴۸ ساعت در آنجا به سر بردیم و حتی نیروهای عراقی آنجا هم به دنبال ما گشتند و به دهانه پل چراغ هم انداختند، ولی چون محفظه قابل رؤیت نبود، رفتند. در این ۴۸ ساعت به صورت پاهار در بغل و بدون اینکه بتوانیم بیرون بیااییم، به سر بردیم و در همان حالت نماز می‌خواندیم و می‌خوابیدیم و تحمل می‌کردیم تا خطر رفع نشد. پس از آنکه خیال‌مان راحت شد، به سمت نیروهای خودی بازگشتیم.

چوپان فداکار
اخطارات اپنارگران شرکت ملی گاز ایران
 راوی: سعید جبار زارع
 انتشارات هزار برگ – صفحات ۱۷۵ و ۱۷۶

رفتاری که سر نوشت را تغییر داد...

نوجوانی بدم شلوغ و نارام، لدا پدر و مادر به من رو نمی‌دادند. وارد مسجد محل خود شدم. دیدم در این مسجد مردم حاضرند ولی سکوت حاکم است. معلوم شد که رئیس‌التجار حاج سیدروح‌الله در کنار محراب نشسته و به احترام او مجلس ساکت است، او تا مرادید، گفت: پسرما بیای اینجا. گفتیم لابد می‌خواهد بگوید لیوان آبی برایم بیاور، ولی جلو آمدم دیدم برای من نیم‌خیز شد و گفت: بفرمایید بنشینید! چنین احترامی برایم شگفت‌آور بود. سپس به خادم مسجد گفت: برای آقا چای بیاورید!

رفتار کریمانه این شخص موجب شد از آن لحظه «محبت» مسجد و محراب و عبا و قبا و تسبیح در دل من جا کند و اگر الان اهل «دین» و «ترویج قرآن» هستم، برای آقا چای بیاورید!

می‌بینید کسی دیگران را به «مسخره» می‌گیرد و او را «تحقیر» می‌کند و در او «بدبینی» ایجاد می‌کند و دیگری پیامبرگونه انسانی را تکریم می‌کند و او را به راه خدا می‌آورد. حساب این ۲ انسان جداست. **ابوالفضل بهرام‌پور / زندگی با قرآن**
 انتشارات آوای قرآن – صفحات ۲۸ و ۲۹

تأثیر
 از همسایگان بود. اخلاقی ناپسندی داشت. عده‌ای از بچه‌ها حتی از او وحشت داشتند. هیچ کس حاضر نبود به او نزدیک شود. ابراهیم اما مایعی نمی‌دید. رفت و با او رفیق شد. مشکل مالی‌اش را هم حل کرد. آن‌قدر در او نفوذ کرد که شد عاشق نهج‌البلاغه، عاشق اهل بیت علیهم‌السلام.

الله حاجی حسینی و هاجر کرمانی
سه برادر
 ابر اساس زندگی سردار شهید ابراهیم جعفرزاده!
 انتشارات ستارگان در خشان – صفحه ۱۰۷

اجازه!
 کاترینا: اجازه بده تمنا کنیم که بمانی. پتروچیو: بسیار خب. کاترینا: پس می‌مانی؟ پتروچیو: نه، اجازه می‌دهم که تمنا کنی که بمانم، ولی نمی‌مانم.

ویلیام شکسپیر
رام کردن زن سرکش
 علاءالدین پازارگادی
 انتشارات سروش – صفحه ۴۵۹

پوچ‌گرایان و تبلیغ لجوجانه ناامیدی

عسل گفت: نگاه کن، به بازی گنجشک‌ها روی برف، چه آسوده بی‌خیال می‌خندند. گیلهمرد کوچک‌اندام، پاسخ داد: زمانی که کودک می‌خندد، باور دارد همه دنیا در حال خندیدن است، و زمانی که یک انسان ناتوان را خستگی از پا درمی‌آورد گمان می‌برد که خستگی، سراسر جهان را از پا درآورده است.

چرا ناامیدان، دوست دارند ناامیدی‌شان را لجوجانه تبلیغ کنند؟ چرا سرخوردگان مایلند که سرخوردگی را یک اصل جهانی ازلۍ – ابدی قلمداد کنند؟ چرا پوچ‌گرایان خود را برای اثبات پوچ بودن جهانی که ما عاشقانه و شادمانه در آن می‌جنگیم، پاره‌پاره می‌کنند؟ آیا همین که روشنفکران بخواهند بیماری‌شان به تن و روح دیگران سرایت کند، دلیل بر ذلت بی‌حساب ایشان نیست؟

من هرگز نمی‌گویم در هیچ لحظه‌ای از این سفر دشوار، گرفتن ناامیدی نباید شد. می‌گویم: به امید بازگردیم، قبل از آنکه ناامیدی نابودمان کند.

نادر ابراهیمی / یک عاشقانه آرام
 نشر روزبهان – صفحه ۴۹

حضرت امام حسین (ع):

کسی که با بیرنگ و معصیت خدا، در پی به‌دست آوردن چیزی رود، کمتر به آنچه امید دارد می‌رسد و زودتر به آنچه می‌ترسد، دچار می‌شود.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
 مدیر عامل: رضا شکیبایی
 سردبیر: سید عابدین نورالدینی



نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
 روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ | تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲ | نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷ | info@vatanemrooz.ir
 پیام‌رسان: @vatanemrooz | پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
 چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

نگاهی به پروژه‌های نیمه‌کاره شبکه نمایش خانگی به بهانه وضعیت مبهم سریال‌های «کلنل» و «جزر و مد»

بی‌پایان!



تا آنجا که این موضوع اعتراض بینندگان را در پی داشت. اکنون نیز ادامه‌دار بودن انتشار این سریال‌ها در حاله‌ای از ابهام قرار دارد و مشخص نیست قسمت‌های باقیمانده این آثار ساخته می‌شود یا همچون تعداد دیگری از سریال‌های نمایش خانگی، ساخت و بخش‌شان ناتمام می‌ماند. این اتفاقات پنهانی‌ای دست و پا کرد تا مروری داشته باشیم بر تاریخ کوتاه‌ما بر حاشیه تمام سریال‌های کامل‌نشده‌شبکه نمایش خانگی ایران که از ابتدا تا به حال چنین سرنوشتی پیدا کرده‌اند و بعضی‌ها در انتشار و تولید خود ناپیوسته و ضعیف عمل کرده و بعضاً ناتمام ماندند.

اینترنتی و نبود یک برنامه دقیق مثل کنداکتور پخش تلویزیون که احساس وظیفه را برای اتمام پندید دقیق ایجاب می‌کند، همگی باعث آن شده که تولید و پخش سریال در بستر نمایش خانگی با فراز و نشیب‌های زیادی همراه شود؛ تا آنجا که تولید بعضی سریال‌ها نیمه‌تمام‌باقی می‌ماند. سریال‌های «کنکل» ساخته رامتین لوافی‌پور و «جزر و مد» از علی عبدالعلی‌زاده که از پلتفرم تازه تاسیس استارت نت منتشر شده‌اند، در میحت پخش مشغول دست و پنجه نرم کردن با مشکلات زیادی هستند و در برهه‌هایی به طور نامنظم و غیراصولی به سعم و نظر مخاطبان رسیدند؛

بیشتر نشان می‌داد اما حالا و بعد از چندسال به‌نظر می‌رسد چیزی که بیش از همه فضای پرزرق و برق نمایش خانگی را با صداوسما از یکدیگر متمایز می‌کند، عدم وجود یک نهاد معین است که بر مسائل و روندهای فنی و تولیدی آثار نمایش خانگی نظارت کند و نقشی راهبردی در به سرانجام رسیدن پروژه‌ها داشته باشد. طرف قرارداد تولیدکنندگان سریال در نمایش خانگی بیشتر سرمایه‌گذاران شخصی و پلتفرم‌ها هستند و همین موضوع باعث می‌شود نهاد مشخصی به طور مصرانه روی صرف سرمایه دقت نداشته باشد. علاوه بر این پخش آثار در یک فضای نیمه‌رسمی

ما از ابتدا در ایران تلویزیون کاپلی نداشتیم اما حتی قبل از اینکه اینترنت تا این حد فراگیر شود و استفاده از پلتفرم‌های ویدئو به شرط درخواست یا همان وی‌اودی‌ها جابفتند، چیزی تحت عنوان شبکه نمایش خانگی راه خود را آغاز کرد. دیری نپایید که این فضا به‌طور سرخشانه و جدی به‌عنوان رقیبی برای سینما و تلویزیون ایران خود را معرفی کرد. به طور خاص این رقابت بین نمایش خانگی و تلویزیون خودش را



علیرضا ابوترابی

بودن محمدرضا گلزار نقل شده. ولی بیژن بیرنگ، کارگردان اثر عمده مشکلات را نداشتن طرح درست داستانی و اشراف کامل بر پیرنگ داستان، مباحث مالی و چند پروژه‌ای بودن بازیگران سریال عنوان کرد.

کمال تبریزی، کارگردان نسبتاً موفق سینما به قصد طبع آزمایی با سریال ناموفق «بله» به نمایش خانگی پا گذاشت. هر چند قسمت اول ابله تا حدودی برای مخاطبان جذاب ظاهر شد اما طولی نکشید که این اثر در همان چند قسمت بعد نامیدکننده به نظر رسید و نتوانست آن طور که باید به دل بینندگان بنشیند. ابتدا قرار بر این بود سریال در ۳ فصل ۱۳ قسمتی منتشر شود اما دلایل ناکام بودن ادامه سریال بیشتر مربوط به بازخورد ضعیف مخاطبان می‌شود تا مسائلی که به طور مستقیم به عوامل آن ربط دارد. با توجه به بازیگران مطرح سریال و نام کارگردان که سابقه خوبی هم در ژانر کمدی دارد، قاعدتاً توقع مخاطبان برای دیدن یک سریال طنز باکیفیت بالا می‌رفت اما با دنبال کردن سریال مخاطبان بیشتر با یک اثر معمای مواجه می‌شوند و از یک فضای طنز فاصله می‌گیرند.

این توقع‌شکنی‌ها و ترسیدن بیننده به اثر مورد نظرش باعث شد شرکت تصویرگستر پاسارگارد در حمایت از اثر کم‌کاری کند؛ تا آنجا که قسمت چهاردهم این سریال که قرار بود کل داستان اثر را به زور، تمام و خلاص کند، تقریباً با ۷۵ روز تأخیر منتشر شد.

بی‌شک سیروس مقدم جزو پرکارترین کارگردان‌های تلویزیون است و ید طولایی در ساخت سریال‌های مناسبی دارد. در کنار معروف‌ترین سریال سیروس مقدم یعنی پایتخت، عمده آثار اجتماعی وی حاصل تلفیق دین و روایات دراماتیک است. «خواب‌زده» نخستین تجربه مقدم در نمایش خانگی است که برعکس کارنامه تلویزیونی او ناکام و شکست‌خورده از آب در آمد، او همچون اثر تلویزیونی‌اش «غما»، در این سریال نیز به دنبال ترکیب مسائل دینی با فضای ترسناک رفته بود. فصل اول سریال با بسته نگه داشتن بسیاری از گرهم‌های رویی در ۲۴ قسمت به کار خود پایان داد. اما با اینکه بخش عمده‌ای از قسمت‌های فصل دوم این سریال تا مراحل تدوین و صداگذاری پیش رفته بود و کاملاً آماده شده بود، هرگز پخش نشد. احتمالاً دلیل بی‌رغبتی پلتفرم پخش سریال برای فصل دوم بازخورد منفی مخاطبان بوده است.

بیژن بیرنگ بعد از تجربه‌های موفق خود در صداوسیمما و ساخت ژانالیتی‌شوی «شام ایرانی» در بستر نمایش خانگی، که آن هم بازخورد خوبی داشت، سراغ ساخت سریال «عشق تعطیل نیست» رفت. این سریال

با دارا بودن فضایی مانند سریال‌های قبلی بیژن بیرنگ همچون خانه سبز و الهام‌گیری از سریال شناخته شده «Firds» به نمایش رسید. سریال «عشق تعطیل نیست» در اصل قرار بود به شکل یک مجموعه ۲۵ قسمتی منتشر شود؛ این سریال با اینکه بازیگران مطرح و سوپرستاری همچون محمدرضا گلزار و مهناز افشار داشت اما ناگه پررونده‌اش تنها در ۵ قسمت تمام شد. دلایل ناکامی و ناتمام ماندن این پروژه چیزهای مختلفی مانند بارداری بازیگر زن سریال یا بدقولی و مشغول

این سریال را فراهم کردند اما عدم پاسخ مالی به مطالبات عوامل سریال باعث شد بازیگران اثر به نشانه اعتراض یکی پس از دیگری سر صحنه فیلمبرداری حاضر نشوند و به این ترتیب این اثر معلق و نیمه‌کاره باقی ماند. قسمت آخر سریال به وسيله پلان‌های از قبل ضبط شده و یک سری نریشن به نام پایان فصل اول به یک خط کاذب و کاغذی منتهی شد.

قبله عالم
 در سال‌های اخیر آثار زیادی با محوریت تاریخ قاجار بویژه حول محور زندگی ناصرالدین شاه ساخته شده است. سریال «قبله عالم» ساخته حامد محمدی هم سعی در روایت زندگی ناصرالدین شاه با رویکردی طنز و فانتری داشت. این اثر که در ۱۰ قسمت ساخته شده و آماده بخش بود، در همان قسمت‌های ابتدایی دچار سانسور شد و به تدریج فشارهای ممیزی و موج سانسورهایی در اپیزودهایی بعدی به اثر اعمال و باعث شد سریال قبله عالم به خواست پلتفرم در قسمت هفتم به کار خود پایان بدهد.

جزیره
 بعد از تجربه ناموفق خواب‌زده، سیروس مقدم این بار به دنبال ساخت اثری دیگر با حال و هوایی متفاوت از کارها قبلی خود و نزدیک به احوالات لاکچری و مدرن نمایش خانگی رفت. طبق گفته سیروس مقدم،

فیلمنامه «جزیره» برای یک سریال تک‌فصلی در ۲۶ الی ۳۰ اپیزود طراحی شده بود اما در اواسط کار ناگهان به دستور و توصیه تهیه‌کنندگان و پلتفرم، فیلمبرداری سریال متوقف شد؛ پلتفرم معتقد بود اثر مانند تصورش‌شان نیست و آن طور که باید درنیمامه و ضعیف است. این اتفاقات با ورود ساترا به نمایش خانگی همزمان شد و همین موضوع باعث به وجود آمدن گرانی‌هایی از سوی سرمایه‌گذاران بر سر مباحث مالی شد. در هر حال پلتفرم پخش‌کننده طرفدار ۲ فصلی شدن سریال و بازنویسی فیلمنامه بود اما طبق عقیده کارگردان اثر، فیلمنامه این سریال برای یک فصل نوشته شده بود. پس از کش‌وقوس‌های فراوان سریال جزیره در قسمت چهاردهم به بهانه ادامه داستان‌ش در فصل ۲ به کار خود پایان داد که این فصل هرگز ساخته و منتشر نشد.

گیسو
 سریال «گیسو» که به نوعی فصل دوم عاشقانه به شمار می‌رفت، با از دست دادن چندین بازیگر فصل قبلی که هر کدام بنا به دلایل مختلفی چون مهاجرت، ضعیف بودن فصل دوم و... در این اثر حضور نداشتند به کار خود ادامه داد. مخاطبان نیز از کیفیت پایین این فصل ناراضی بودند و در آخر این سریال با پایانی به‌شدت ضعیف و سرهم‌بندی شده به کار خود پایان داد. دلخوری‌ها از این اثر آنقدر شدید بود که منوچهر هادی، کارگردان اثر، اعلام کرد این سریال با اینکه ادامه دارد اما اگر فصل بعدی در کار باشد من کارگردانی آن را بر عهده ندارم.

«پسران هور»؛ ناگفته‌هایی از پسران ایران

خوزستانی به صورت توأمان دیده می‌شود. سریال، ماجرای تلخ عملیات خیبر را برای ما می‌گوید؛ بدون اینکه هراسی از نمایش شکست‌ها داشته باشد و بت‌رسد قهرمانش تضعیف بشود، بلکه به گونه‌ای روایت می‌کند که مخاطب بعد از عملیات مانند حاج علی دلش مجاله می‌شود و وقتی می‌گوید «هر کس خیبرو دید، دیگه اون آدم سابق نشد» با او همذات‌پنداری می‌کند. پسران هور نگاه ما را به جنگ، فرماندهی، وطن، دشمن، فرصت‌ها و تهدیدها تغییر می‌دهد. مظلومیت رزمندگان و فشاری را که در هر عملیات – چه در فتح‌ها و چه در شکست‌ها – به فرماندهان وارد می‌شده برای‌مان عینی می‌کند تا ارزش آنچه در آن ۸ سال با چنگ و دندان حفظ شد را بهتر بفهمیم.

این سریال به سوالات بسیاری درباره دلیل طولانی شدن جنگ یا اهمیت برخی عملیات‌ها که در سال‌های

گیرا و غیرت مثال زدنی مثل آن روزها دست بچه‌های مردم را بگیرد و از هر کدام یک الماس بیرون بکشد؟ هر قسمت سریال پسران هور پسر از ظرفیت و جذابیت بود و کلی حرف‌های گفتن داشت. این سریال ویژگی‌هایی داشت که در کمتر تولیدات هنری و رسانه‌ای دیده بودیم: در پسران هور نه با یک تکر قهرمان که با مجموعه‌ای از قهرمان‌ها حول محور شهید هاشمی مواجه می‌شویم که داستان هر کدام ظرفیت پرداخت سینمایی دارد.

در این سریال سهم مردم عرب خوزستان در پیشبرد جنگ را بیش از هر تولید تلویزیونی و سینمایی درباره جنگ می‌توان دید. برخلاف تولیداتی که عامدانه یا جاهلانه علاقمندان مردم عرب خوزستان را فقط در لباس جنگ‌زده و آواره نشان دهند و تصویر مجاهدت‌های آنان را نمی‌بینند، در پسران هور مظلومیت و مجاهدت عرب

اخیر بازار تشکیک درباره آنان داغ است، پاسخ می‌دهد. در پسران هور درس‌های بسیاری برای مدیران امروز درباره تبدیل تهدید به فرصت وجود دارد. مانند خطری عشار بنقله در خدمت عملیات شناسایی و تحقق اهداف سری فرماندهی جنگ کرد. یا ایستادگی او پای نیروهایش و ترک نکردن میدان به نام مصلحت و عقلانیت، در حالی که نیروهایش در خطر بودند.

پسران هور سراز ناگفته‌های جنگ رفته و الحق بخوبی از پس آن برآمده. جذابیت این سریال نه فقط در تکنیک‌های سینمایی که در زنده بودن داستان‌ها و آدم‌هایش است. این سریال ادعا و هیاهو نداشت اما توانست رضایت مخاطب را به دست آورد. تقویت روحیه ملی در گرو روایت جذاب از قهرمان‌های جذاب است که سازندگان پسران هور بخوبی از پس آن برآمدند.